

جایگاه اقصی مسجد نزد مسلمانان



نویسنده:

د. علی محمد الصّلابی

دبیرکل اتحادیه جهانی علمای مسلمان

مترجم: عبدالناصر امینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جاگاہ مسجد اقصیٰ نزد مسلمانان

نویسنده: دکتر علی محمد الصلابی

مترجم: عبدالناصر امینی

ناشر: انتشارات آفاق

آدرس: ہرات، شہرنو، پایحصار، کوچہ گدام، انتشارات آفاق

تلفن: ۰۷۹۰۰۵۰۵۱۰

جایگاه مسجد اقصیٰ نزد مسلمانان

دکتر علی محمد الصلابی
(دبیرکل اتحادیهٔ جهانی علمای مسلمان)

مترجم:
عبدالناصر امینی

جایگاه مسجد اقصی نزد مسلمانان

مسجد اقصی دومین مسجدی است که روی زمین ساخته شده است. پیامبران و رسولان بسیاری در جوار آن زندگی کرده‌اند. از جمله: ابراهیم خلیل اللّٰه، اسحاق، یعقوب، زکریا، یحیی، عیسی، داود، سلیمان علیهم‌السلام و نیز بانو مریم عذراء. و از همین مکان خاتم پیامبران و رسولان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اسراء برده شد. همچنان اکثر رسالت‌های آسمانی از همین مکان مبعوث گردیدند و بیش از هفده ماه نخستین قبله مسلمانان بود. عزم سفر به سوی آن جایز است و ادای یک نماز در آن، معادل پانصد نماز در سایر مساجد - جز مسجد الحرام و مسجد نبوی - است.

بنای مسجد اقصی

به احتمال زیاد (طبق قول راجح) نخستین کسی که مسجد اقصی را بنا کرد، ابوالبشر آدم علی‌ه‌السلام بوده است. وی حدود چهل سال پس از

پایه‌گذاری مسجد الحرام، به دستور خداوند متعال، حدود این مسجد را تعیین کرد. پیش از این دو مسجد (مسجد الحرام و مسجد اقصی)، هیچ معبد، کلیسا و هیکلی وجود نداشت. ابن هشام رحمته الله در کتابش «التيجان في ملوك حمير» (۲۲/۱) می‌گوید: «پس از آنکه آدم عليه السلام کعبه را بنا کرد، خداوند متعال به او دستور داد که به سوی بیت المقدس برود و در آنجا جبرئیل عليه السلام به او آموخت که چگونه بیت المقدس را بسازد، و او بیت المقدس را ساخت و در آن جا برخی مناسک را بجا آورد».

همانطور که عملیات ساخت و ساز و بازسازی در مسجد الحرام همواره جریان داشته، در مسجد اقصی نیز به مرور زمان تغییراتی آمده است. ابراهیم عليه السلام در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد آن را بنا کرد، سپس پسرانش اسحاق و یعقوب عليهما السلام پس از پدرشان مسئولیت بنای مسجد الاقصی را به عهده گرفتند. حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد، حضرت سلیمان عليه السلام بنای آن را بازسازی کرد.

در سنن ابن ماجه از عبدالله بن عمرو رضي الله عنه روایت است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: «لَمَّا فَرَّغَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ مِنْ بِنَاءِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ سَأَلَ اللَّهَ ثَلَاثًا: حُكْمًا يُصَادِفُ حُكْمَهُ، وَمُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، وَالْأَيُّ يَأْتِي هَذَا الْمَسْجِدَ أَحَدٌ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ فِيهِ إِلَّا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»، «هنگامی که سلیمان عليه السلام بنای بیت المقدس را به پایان رسانید، سه چیز را از خداوند درخواست کرد:

- ۱- حکمی که مطابق حکم خداوند باشد.
 - ۲- ملک و پادشاهی ای که بعد از او برای کسی چنان میسر نشود.
 - ۳- بخشیده شدن تمام گناهان کسی که محض به منظور نماز خواندن وارد این مسجد شود.
- پیامبر ﷺ فرمود: «دو خواسته حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ [که پادشاهی و ثروت بود] به وی داده شد و من از خدا می خواهم که سومی هم به وی عطا شود».

مسجد اقصی مکان سفر رسول خدا ﷺ به معراج

مسجد اقصی نقطه آغاز عروج محمد ﷺ به آسمان است، خداوند متعال فرمود: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء: ۱) «پاک و منزّه است آن (خدایی) که بنده خود را در شبی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد که در پیرامونش برکت نهاده ایم، تا برخی از نشانه های خود را بدو بنمایانیم، بی گمان اوست که شنوای بیناست».

این آیه اشاره ای به ارتباط مسجد الحرام و مسجد الاقصی دارد؛ زیرا معجزه اسراء و معراج که یکی از بزرگ ترین معجزات پیامبر ما محمد ﷺ است و در کتاب و سنت نیز ثابت می باشد؛ سفری است که

شب‌هنگام از مکه به بیت المقدس انجام گرفته است و آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آنجا پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام را امامت داده و از همان جا به آسمان عروج داده شد. در همین مسجد نمازهای پنج‌گانه فرض شد و این خود بیانگر جایگاه مهم قبله نخستین مسلمانان است.

همچنان بیت المقدس مهد و تربیت‌گاه بسیاری از پیامبران پیش از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است و این سفر برای ایشان اتفاق افتاد تا فضایل بسیاری را کسب نماید و این لطف و اکرام خداوند نسبت به ایشان است.^۱

طی طریق از مسجد الحرام به مسجد الاقصی، سفری بود که خدای لطیف و آگاه آن را برگزید تا رابطه‌ای مستحکم بین باروهای توحیدی از ابراهیم و اسماعیل عَلَيْهِمُ السَّلَام تا خاتم پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و میان اماکن مقدسه همه ادیان توحیدی ایجاد نماید. همچنان او تعالی می‌خواست با این سفر خارق العاده، اعلام نماید که رسول آخرین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ میراث‌بر مقدسات انبیا و رسولان پیش از خود است و رسالتش همه این مقدسات را شامل شده و با آنها ارتباط دارد.^۲

۱- داوود و سلیمان فی الأسفار اليهودیه، ص ۴۴۵.

۲- فی ظلال القرآن، ۴/۲۲۱۲.

اقصى نقطه آغاز معراج رسول خدا ﷺ به سدره المنتهى

از انس بن مالک رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «أُتيت بالبراق فرکبته حتى أُتيت بيت المقدس فربطته بالحلقة التي يربط فيها الأنبياء، ثم دخلت المسجد فصليت فيه ركعتين ثم عرج بي إلى السماء»، «براق برایم آورده شد، سوار آن شدم تا به بیت المقدس رسیدم، آنگاه آن را با حلقه‌ای بستم که پیامبران (حیوان سواری) خود را بدان می‌بستند، سپس داخل مسجد شدم و دو رکعت نماز در آن خواندم، آنگاه مرا به آسمان بردند».^۱

بیت المقدس نخستین دو قبله

رسول خدا ﷺ در مکه بین دو رکن سیاه و یمانی نماز می‌خواند تا کعبه در مقابل ایشان قرار گیرد و روی ایشان به سوی بیت المقدس بود و چند ماه به همین جهت نماز خواند.

از براء بن عازب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت که گفت:

اولین باری که نبی اکرم ﷺ به مدینه تشریف آورد، نزد خویشاوندان انصاری خود (بنی نجار) اجلالِ نزول فرمود. و پس از ورود به مدینه، حدود شانزده الی هفده ماه، به سوی بیت المقدس نماز می‌خواند. و در عین حال، دوست داشت که به طرف کعبه نماز بخواند.

۱- صحیح مسلم، رقم ۲۵۹.

(دیری نگذشت که این آرزو، برآورده شد و قبله از بیت المقدس به کعبه تغییر یافت).

نخستین نمازی که آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سوی کعبه برگزار نمود، نماز عصر بود که جمعی از صحابه نیز با ایشان نماز خواندند. سپس، یکی از کسانی که با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز خوانده بود، از مسجد بیرون رفت. و از کنار مسجدی گذشت که نماز گزاران آن مسجد، (به طرف بیت المقدس) نماز می خواندند. بلافاصله گفت: خدا را گواه می گیرم که (چند لحظه قبل) من با رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سوی کعبه نماز خواندم. با شنیدن این سخن، مردم در حین نماز، رو به سوی کعبه نمودند. زمانی که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طرف بیت المقدس نماز می خواند، تمام اهل کتاب، خشنود بودند. اما هنگامی که قبله از بیت المقدس به بیت الله تغییر یافت، این امر را نپسندیدند.^۱

استحباب سفر کردن به مسجد اقصی

امام بخاری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ از زهری از سعید بن مسیب از ابوهریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت کرده که گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجدي هذا والمسجد الأقصى»،

۱- صحیح البخاری، ۹۶/۱.

«بار سفر جز به سوی سه مسجد بسته نمی شود: مسجد الحرام، مسجد من و مسجد الاقصی».^۱

فضیلت نماز در مسجد الاقصی

رسول خدا ﷺ فرمود: «الصلاة في المسجد الحرام بمائة ألف صلاة والصلاة في مسجدي بألف صلاة والصلاة في بيت المقدس بخمسمائة صلاة». «نماز در مسجد الحرام صد هزار نماز و نماز در مسجد من هزار نماز و در بیت المقدس پانصد نماز است».^۲

مسجد الاقصی

یکی از موقوفات عمری برای امت اسلامی است

در دوران فتوحات شام و عراق، فلسطین از جمله مناطقی بود که در ایام حکومت عمر بن خطاب رضی الله عنه توسط مسلمانان فتح شد. فاروق اعظم رضی الله عنه تعهد خود را به مردم مسیحی ایلیا (اورشلیم) مبنی بر امنیت، صلح، بردباری و همزیستی با آنان نوشت. درباره اراضی فتح شده و سرنوشت آن، ابتداءً خلیفه تصمیم داشت که آن‌ها را میان برخی از مجاهدان و فاتحان تقسیم نماید، اما علی بن ابوطالب و معاذ بن

۱- سنن ابن ماجه، رقم ۱۴۰۹.

۲- داوود و سلیمان فی الأسفار اليهودیة، ص ۴۴۷.

جبل رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ پیشنهاد نمودند که از این کار دست بکشد و اراضی فتح شده را تقسیم نکند.^۱

ابوعبید می گوید: «عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به شهر جابیه آمد و قصد داشت زمین ها را میان فاتحان تقسیم کند. معاذ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به ایشان گفت: اگر چنین کنی پس از مرگ آنها، این زمین ها به دست فرزندان شان و گاهی به دست زنی می افتد و برای کسانی که بخواهند در راه خدا جهاد نمایند، چیزی نمی ماند. پس باید چاره ای بیندیش که هم برای این نسل و هم برای نسل های بعدی کارآمد باشد.^۲

عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ این مشوره را پذیرفت و در جمع صحابه گفت: «اگر این زمین ها را تقسیم بکنم، برای همیشه به دست عده ای سرمایه دار خواهند چرخید و مسلمانان بعدی در آن سهمی نخواهند داشت، در حالی که قرآن می گوید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ﴾ و این آیه همه کسانی را که تا قیامت خواهند آمد، در بر می گیرد.» بدین صورت رأی عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و بزرگان صحابه بر تقسیم نکردن زمین هایی که از کفار گرفته بودند، استوار گردید.^۳

۱- الأموال لأبي عبيد ص ۷۵.

۲- اقتصاديات الحرب، ص ۲۱۷.

۳- أخبار عمر، ص ۲۱۰.

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ دید که وقف آن به نفع مسلمانان است و آن را وقف کرد و مسلمانان بر آن توافق کردند و حاکمان مسلمان [پس از وی نیز] بر همین اساس با فلسطین و شهر مقدس آن، تعامل کردند و همواره به آن شهر و مقدساتش رسیدگی نموده و آن را بازسازی کردند. به عنوان مثال: ایوبیان و پس از آنان ممالیک، بناهای موقوفه زیادی در شهر مقدس تأسیس نموده و مرتباً از آنها مراقبت کردند.

بنابراین، تصور وقف در فلسطین و بیت المقدس از جانب امیرالمؤمنین عمر رضی اللہ عنہ، حکمتی بود که خداوند به او الهام کرد و این امر در سخنانش به سعد بن ابی وقاص رضی اللہ عنہ پس از فتح عراق، مشهود بود: «اگر آن را بین آنها (یعنی ارتش و سربازان) تقسیم کنید، برای کسانی که بعد از آنها می آیند، چیزی باقی نمی ماند!».

این همان چیزی است که خلفای پس از عمر رضی اللہ عنہ نیز تأیید کردند و از او الگو گرفتند و متوجه شدند که عمر رضی اللہ عنہ از این اقدام چه هدفی داشته و نبوغ عمری که خداوند به او داده بود، در آن آشکار گردید.

این کار عمر رضی اللہ عنہ در واقع اعلان روشن و یقینی بود که این سرزمین در تمام اعصار و تبدیل زمانها، در ملکیت عموم مسلمانان باقی خواهد ماند. و این معنی دقیق در کلام خلیفه عادل عمر بن عبدالعزیز رضی اللہ عنہ مشهود بود که فرمود: «این زمینی است که اولین

مسلمانان برای آخرین آنها وقف کرده‌اند، پس هیچکس حق ندارد آن را به خود اختصاص دهد»^۱.

ادعای صهیونیست‌ها درباره فلسطین:

دروغ سرزمین موعود و معبد ادعایی سلیمان

یکی از بزرگ‌ترین ادعاهایی که صهیونیست‌ها با همکاری دولت‌های تندرو و اشغالگر، درباره فلسطین و اثبات منشأ تاریخی و کهن خود در این سرزمین ساخته و پرداخته‌اند؛ دروغ معبد و سرزمین موعود است. اگر ما از آخرین بخش این داستان شروع کنیم، می‌توانیم ببینیم که مسجد اقصی مدت زمان طولانی، پیش از دوره سلیمان عليه السلام ساخته شده است. پس چگونه می‌تواند هیکل سلیمان (فرضی) زیر مسجد اقصی وجود داشته باشد، همان‌طور که امروز اشغالگران ادعا می‌کنند؟

بیشترین حفاریاتی که صهیونیست‌ها زیر حرم مقدس قدس انجام داده‌اند، هیچ چیزی از ادعاهای آنها در مورد وجود هیکل را ثابت نکرده و بسیاری از باستان‌شناسان یهودی و غیر یهودی، ادعاهای صهیونیست‌ها در مورد وجود هیکل را تکذیب کرده‌اند. (البته اشاره ما

۱- تاریخ دمشق، ۲/۲۰۰.

به همهٔ یهودیان نیست، زیرا برخی از آنان به پروژهٔ رژیم صهیونیستی در اصل اعتراض دارند).

در سال ۱۹۳۰، هنگامی که کمیته‌ای بین‌المللی تحت پوشش سازمان ملل متحد تشکیل شد و به مدت بیش از یک ماه تحقیقات خود را انجام داد و با شنیدن شهادت‌های زیادی از شهود عرب و یهود، و مطالعهٔ تمامی اسناد ارائه شده توسط دو طرف، در نهایت گزارش خود را چنین نوشت: «دیوار غربی تنها به مسلمانان تعلق دارد و حق مالکیت مستقیم آن، تنها برای آن‌ها است؛ زیرا بخش جدایی ناپذیر حرم شریفی است که به املاک وقف ملک افضل، برادرزادهٔ صلاح الدین ایوبی و به مسلمانان تعلق دارد. همچنان ملکیت پیاده رو واقع در مقابل دیوار غربی و روبروی محلهٔ معروف به حارة المغاربة، طبق احکام شریعت اسلامی از موقوفات است.»

این گزارش بین‌المللی از لحاظ تاریخی، دینی و قانونی دیوار براق گوه است که دیوار براق حق مسلمانان می‌باشد. همچنان دائرة المعارف بریتانیا نیز همین امر را تأیید کرده و گفته است: «نمی‌توان قطعاً ادعا کرد که هیکل در حرم مسجد الاقصی واقع بوده است، به خصوص که تیتوس آن را در سال ۷۰ میلادی نابود کرده و هیچ چیزی از آن باقی نگذاشته و تمامی نشانه‌هایش را پاک کرده است، بنابراین جستجوی آن نیز بی‌فایده خواهد بود.»

اختراق بزرگی که در فرهنگ و ارزش‌های غربی توسط برخی نویسندگان، تاریخ‌نگاران، و مردان دین، و تحریف‌گران منسوب به صهیونیسم به وجود آمد و ادعاهای دروغین آنان در باره ایده هیکل سلیمان و باور به سرزمین موعود، که به دلیل آن، امروز بدون دلیل خون بی‌گناهان را می‌ریزند؛ در واقع تنها دروغ‌ها و انحرافات باطلی هستند که بسیاری از مردم دین مسیحی و علمای باستان‌شناس در تحقیقات جدی و بی‌طرفانه خود، حتی خود یهودیان نیز به روشنی آنها را رد کرده‌اند.

به عنوان مثال، اسرائیل فنکلشتاین باستان‌شناس اسرائیلی و یکی از اعضای دانشگاه تل‌آویو و یکی از افرادی که با دیدگاه تعدادی از محققان یهودی و غربی هم‌عقیده است که تمام حفاری‌ها و کاوش‌ها در زیر حرم مقدس، مسجد الاقصی و مسجد قبة الصخرة هیچ دلیلی برای صحت ادعای "سرزمین موعود" و داستان هیکل به دست نیآورده‌اند. به همین ترتیب، پروفیسور زئیو هرترزوغ، باستان‌شناس از دانشگاه تل‌آویو، که در بسیاری از مأموریت‌ها و کارهای حفاری در اورشلیم، اریحا و مناطق گسترده‌ای از فلسطین شرکت کرده، به نتیجه‌ای یکسان رسیده است و می‌گوید: «زمان آن فرا رسیده است که به جستجوی چیزی که وجود نداشته است، پایان دهیم». افراد دیگری نیز به همین نتایج واقعی رسیده‌اند، از جمله کن اسپيرو، جان کراسان، و مندر اسحاق.

مسلمانان دیدگاه روشنی دارند که از قرآن کریم و از عقیده و تاریخ ما الهام گرفته است؛ و حقیقت داوود و سلیمان و پیامبران بنی اسرائیل علیهم السلام را که در قرآن حکیم، به ما به ارث رسیده را بیان می‌دارد که آنان در مسیر صلح، عدالت، اصلاح و دعوت به عبادت خداوند و پرهیز از ظلم و ستم و تجاوز به دیگران بودند.

مسجد الاقصی و فرقه منصوره

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تزال طائفة من أمتي على الدين ظاهرين لعدوهم قاهرين لا يضرهم من خالفهم إلا ما أصابهم من لأواء حتى يأتي أمر الله وهم كذلك». قالوا: يا رسول الله وأين هم؟ قال: «ببيت المقدس وأكناف بيت المقدس»، «پیوسته گروهی از امت من بر دین هستند و بر دشمنان‌شان چیره‌اند. کسانی که با آنان مخالفت می‌ورزند ضرری به آنان نمی‌رسانند، مگر سختی و رنجی که به آنان می‌رسد، تا اینکه امر خداوند می‌آید در حالی که آنان بر همان حالت هستند». صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! آنان کجایند؟ فرمود: «در بیت المقدس و اطراف بیت المقدس».

همچنان از ابودرداء رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ألا وإن الإيمان - حين تقع الفتن - بالشام»، «آگاه باشید - که هنگام وقوع فتنه - ایمان در شام است».

فلسطین سرزمینی مقدس است که خداوند اطراف آن را برکت داده است. این سرزمین، سرزمین مقاومت و پایمردی، و همچنان محل محشر و رستاخیز است. به دلیل اهمیت بیت المقدس و مقاومت در آن، بسیاری از مسلمانان از صحابه، تابعین و دیگران به آنجا روی آوردند. برخی از آنان در زمان فتح اسلامی سرزمین شام به آنجا آمدند، و برخی دیگر بعداً به قصد زیارت، برکت جویی، کسب علم و مقاصد دیگر به آنجا سفر کردند.^۱

از جمله اصحابی رضی الله عنهم که در قدس ساکن شدند: عبادة بن صامت رضی الله عنه: در غزوات رسول الله صلی الله علیه و آله شرکت کرد و در فتح مصر حضور داشت. وی در دوران خلافت عثمان بن عفان رضی الله عنه در سال ۳۴ هجری در قدس درگذشت و در آنجا نسل خود را به جا گذاشت.

شداد بن اوس خزرجی انصاری رضی الله عنه: صحابی که خلیفه عمر بن خطاب رضی الله عنه او را به امارت حمص منصوب کرد. او دانشمندی بود که به فلسطین نقل مکان کرد و در قدس ساکن شد. وی در دوران خلافت معاویه رضی الله عنه درگذشت و قبر او در مقبره الرحمة نزدیک بیت المقدس قرار دارد. او نیز در قدس فرزندان به جا گذاشت.^۲

۱- داوود و سلیمان علیهم السلام، می حسن، ص ۴۴۹.

۲- الأعلام، الزرکلی، ۳/۲۳۲.

واثلة بن أسقع رضی اللہ عنہ: در نزدیکی دمشق در شام سکونت داشت، سپس به بیت المقدس نقل مکان کرد و در آنجا درگذشت.

یزید بن سلام رضی اللہ عنہ: غلام عبد الملک بن مروان بود. او از اهالی قدس بود و در ساخت مسجد قبة الصخرة و مسجد الأقصى با رجاء بن حیوة همکاری کرد.^۱

عبد الله بن محیرز جمحی رضی اللہ عنہ: در شام زندگی می کرد و به عبادت مشغول بود. سپس به بیت المقدس نقل مکان کرد و در آنجا درگذشت.

زیاد بن ابی سودة رضی اللہ عنہ: از بیت المقدس بود و از عبادة بن صامت و ابو هریره رضی اللہ عنہما روایت کرد. وی یکی از افراد مورد اعتماد در نقل حدیث بود.

و سایر صحابه و تابعین و برترین افراد امت اسلام رضی اللہ عنہم؛ از جمله علما، فقها، زاهدان و عبادت گزاران که خداوند بر همه آنها رحمت روا دارد.

و در نهایت می گوئیم: مسجد الأقصى وقف مسلمانان و تا روز قیامت حق آنها است؛ زیرا آنها وارثان پیامبران و فرستادگان الهی لما یبعث هستند. این مسجد نماد انتخاب خداوند متعال برای پیام رسالت اسلام است که خاتمه و تکمیل کننده همه رسالت های پیشین است و آنها را

۱- الإصابة، ابن حجر، ۱/۴۲۵.

تصدیق نموده و بر آنها برتری دارد. چنان که خداوند متعال می فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ﴾ (مائده: ۴۸) «و ما کتاب را به حق به سوی تو فرورستادیم در حالی که کتاب‌های پیش از خود را تصدیق می کند و بر آنها نگهبان است».

پس مسلمانان به همه پیامبران و رسالات آسمانی ایمان دارند و تجلیل و احترام به آنها را جزئی از دین خود می دانند. آنها معتقدند که توانایی بیشتری برای حفاظت از قدس و مسجد الاقصی دارند. صلح برقرار نخواهد شد مگر با بازگشت حق به صاحبانش و خروج صهیونیست‌ها از قدس و فلسطین به کشورهایی که دهه‌ها پیش با حمایت بریتانیا و قدرت‌های استعماری غربی از آنجا آمده‌اند.

مبارزه مردم فلسطین یک حق مقدس در شرایع آسمانی و قوانین بین‌المللی است. در پشت سر آنها، امت اسلامی و عربی و آزادگان جهان قرار دارند، که به خاطر حق دینی، تاریخی و انسانی خود در سرزمین فلسطین و پاکسازی آن از دشمنان ناگهانی، از آنها حمایت می‌کنند.

منابع وماأخذ:

١. القرآن الكريم
٢. أخبار عمر وأخبار عبد الله بن عمر، تأليف علي الطنطاوي، ناجي الطنطاوي، المكتب الإسلامي، الطبعة الثامنة، ١٤٠٣ هـ ١٩٨٣ م.
٣. الإصابة في تمييز الصحابة لأحمد بن علي بن حجر العسقلاني، تحقيق علي محمد البجاوي، دار النهضة - مصر.
٤. الإعلامية في الخطاب القرآني، زهراء البرقعواوي، دار كنوز المعرفة العلمية، الطبعة الأولى، ٢٠١٩ م.
٥. الأموال لأبي عبيد قاسم بن سلام، تحقيق: محمد خليل هراس، دار الفكر بيروت، الطبعة الثانية ١٣٩٥ هـ.
٦. الأنبياء الملوك داود وسليمان عليهما السلام وهكيل سليمان المزعوم، علي محمد الصلابي، دار ابن كثير، بيروت.
٧. تاريخ دمشق، أبي القاسم علي بن عساكر، تحقيق مطاع الطرابيشي، مطبوعات مجمع اللغة العربية - دمشق.
٨. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج، تحقيق: محمد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ط ٢، ١٩٧٢ م.

۹. الطبقات، محمد بن سعد بن منيع الزهري، تحقيق: علي محمد عمر، مكتبة الخانجي للطباعة، القاهرة، ط ۱، ۱۴۲۱هـ، ۲۰۰۱م.
۱۰. ۱۰. عمر بن الخطاب، علي محمد الصلابي، دار ابن كثير، دمشق، ط ۱، ۲۰۰۳م.
۱۱. في ظلال القرآن، سيد قطب، دار الشروق، القاهرة، ط ۱۷، ۱۴۱۲هـ.
۱۲. ۱۲. المسجد الأقصى، موقع قصة الإسلام، ۲۰۱۴/۰۲/۱۸م.

برای استفاده از مطالب متنوع دینی، علمی و فرهنگی به
کانال تلگرامی ذیل پیوندید:



<https://t.me/abdulnaseramini>